

چگونه نه‌شیعه بوجو دمیآید

طباطبائی- نباید شیعه را در اسلام اقلیتی فرض کرد که با اکثریتی که در مقابل خود داشته در اصول و مباری دین مقدس اسلام که محتویات کتاب (قرآن کریم) و سنت قطعیه بوده باشد، اختلاف نظر داشته و پاره‌ای از آنها را نمی پذیرفته اند، لذا با اکثریت بمقام مخاصمه و مشاجره در آمده، و مذهب نو بنیادی تأسیس نموده است.

و یا بعلمی سیاسی یا تعصبات قومی یا ملی یا انتقا مهیای دینی، دستخوش امیال دیگران و بازیچه دست بیگانگان قرار گرفته و در نتیجه، گروه قابل توجهی را از جماعت مسلمین جدا کرده و وحدت اسلامی را بهم زده و اختلاف کلمه بوجود آورده است.

بلکه شیعه طائفه‌ای هستند از مسلمین که بواسطه مخالفتها فی که از اکثریت نسبت بمسلمات کتاب و سنت مشاهده کرده اند، در مقام اعتراض و انتقاد بر آمده و بملا زمت مسلمات کتاب و سنت بر خواسته و دعوت کرده اند و البته طائفه ای را که در راه چنین منظور مقدسی

در طول تاریخ و قرنهای متمادی ، هر بلا و مصیبت و هر آزار و شکنجه قابل تصور را از دست مخالفین خود کشیده است ، نباید مخالف اصول مسلمة دیانت و هدم کننده سنت و جماعت مسلمین نامید .

نظرات مخالفین درباره یهودیت شیعه

مخالفین شیعه میگویند : مذهب تشیع مولود افکار ابن سبای یهودی (۳) معروف است که در ظاهر بلباس اسلام متلبس شده و در زمان خلیفه سوم ، عثمان بن عفان ، در عراق و شامات مردم را علیه خلافت شورانیده و بقتل خلیفه تحریص و ترغیب مینمود .

وی یک سلسله عقاید یهودیت را با هشتی از معارف اسلامی آمیخته و در شعاع غلو و در حق امیر المؤمنین ، علی بن ابیطالب ، در میان جمعی رواج داد که بعداً بنام شیعه علوی معروف شدند .

میگویند مذهب تشیع روی اساس سیاست انتقام گذاشته شده (۴) و در اثر داغدلی که ایرانیها از خلیفه دویم **عمر بن الخطاب** که ایران را فتح کرده و تاج و تخت کهن سال کیان و کاسره را بباد داده ، و مجوسیت و آتش پرستی را ریشه کن نمود ، داشتند .

و از سوی دیگر پیاس خویشاوندی که امام دوم و سوم شیعه از راه مصاهرت با کسری داشتند ، مجوس مذهب تشیع را در لباس اتباع اهل بیت پیغمبر اسلام صلی الله علیه و آله بوجود آورده و اختلاف کلمه در میان مسلمین انداختند (۵) .

میگویند: مذهب تشیع نتیجه مساعی ائمه اهل بیت ، و بویژه

امام پنجم و ششم شیعه امامیه میباشد که بمنظور اشغال مقام روحانیت عمومی، مردم را بغلو و در حق خودشان رهبری کرده، و احادیثی علیه خلفاء راشدین و صحابه گرام و خلفاء بنی امیه و بنی عباس که زمامداران اسلام بودند وضع کرده و شیعه گری را بوجود آور دند،

میگویند: مذهب تشیع ساخته ملوک آل بویه بوده که در قرن چهارم هجری چندی حکمرانی کردند (۶)

میگویند: مذهب تشیع آفریده سیاست سلاطین صفویه میباشد که در اوایل قرن دهم هجری بهوای سلطنت بدستکاری عده ای از درویش صفوی قیام کرده و سالهای متمادی با خلفاء آل عثمان و با اوزبکها جنگیدند. (۷) آنان بودند که عقایدی درویشانه و غلو آمیز با ما سک تشیع بهم یافته، و سر و صورت یک مذهب اسلامی را بوی دادند.

اینها و نظایر اینها تهمت‌هایی است که بمذهب تشیع میزنند و حقیقت مطلب غیر ازین است.

«در فنی و ادبی شیعه و مذهب تشیع»

بشهادت تاریخ، طریقه تشیع از روز رحلت پیغمبر اسلام ﷺ طلوع کرده و جماعتی با این روش تعیین تمیز پیدا کرده اند.

یعنی در همان موقعی که هنوز جسد مقدس پیغمبر اسلام دفن نشده (۸) اهل بیت و عده ای از خیار صحابه، سرگرم لوازم سوگواری و تجهیز جنازه شریفش بودند، و عده دیگری که بعداً اکثریت را بردند، با کمال دست پاچگی در سقیفه بنی ساعده تجمع کرده، و برای عامه

مسلمین در قیافهٔ مصلحت جوئی و خیر خواهی، خلیفه و جانشین پیغمبر تعیین می‌کردند .

و در خلال این جریان، حتی کمترین اطلاعی باهل بیت و خانوادهٔ پیغمبر اسلام و بویژه با امیر المؤمنین علی علیه السلام که در فضائل اسلامی و انواع فداکاری، در تمام دورهٔ بعثت پیشتر از همهٔ مسلمین بوده و بنص (۹) ولایت اختصاص یافته بود، ندادند .

امیر المؤمنین علی و جمعی از یاران او مانند سلمان و ابوذر و مقداد و غیر آنها، پس از اطلاع از جریان انتخاب خلیفه، بمقام اعتراض و انتقاد بر آمده و با استناد بنص ولایت، بطریقهٔ انتخاب خلیفه اعتراض کرده و با احتجاج پرداختند (۱۰) البته جوابی که شنیدند، همین بود که مصلحت در این بوده و مسلمین چنین صلاح دیدند .

معترضین که اولین افراد شیعه و پایه گزاران این طریقه بودند، جمعی از صحابهٔ کرام و مسلمین دورهٔ اول از یاران امیر المؤمنین علی علیه السلام بودند که در ملازمت پیغمبر اسلام و اتباع کتاب و سنت و پیروی از سیرت نبی اکرم و فداکاری و مجاهده در راه دعوت دینی، کمترین مخالفتی بخرج ندادند، و هیچگونه فروگزاری نکردند، و در تمام دورهٔ بعثت در صف مسلمین و جزو جمع آنها بودند؛ و با این اعتراض و انتقاد نمی‌خواستند، هدف نو بنیاد دیگری را جایگزین این خلافت نو بنیاد نمایند (۱۱) .

بلکه غرض شان از این انتقاد، دفاع از بیک رشته نصوص مسله ای بود که بموجب آنها ولایت عموم مسلمین بدست امیر المؤمنین علی علیه السلام

سپرده شده و نصوصی (۱۲) که بموجب آنها اهل بیت پیغمبر پیشوایان دین و مرجع جمیع شئون علمی و عملی اسلام معرفی شده بودند ، همین نصوصی که الان نیز بنحو تواتر در دست فریقین اهل سنت و شیعه موجود میباشد .



شوریه شگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 پرتال جامع علوم انسانی